

غرض؛ عامل انسجام سوره‌های قرآن (نقدی بر نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها)

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۱

حامد معرفت*

چکیده**

مقاله حاضر با گریه برداری از دانش‌های مرتبط، در پی تبیین شواهدی است تا نقش یگانه غرض را در انسجام بخشی سوره‌ها تأیید نماید؛ بدین صورت که عامل تکوین متن از لحاظ نظریه‌های ادبی معاصر، وجود غرض است. از نظر علم نحو نیز تکوین کلام وابسته به فایده و هدف می‌باشد. همچنین تکوین سیاق مشروط به وجود غرضی کلان در پس متن است و در علم بلاغت هم تصریح شده است که اتصاف کلام به بلاغت مشروط به وجود غرض ثانوی (غیر از معنای ظاهری الفاظ) است. به علاوه در مباحث روش تحقیق ثابت شده است که انسجام متون تحقیقی، در صورت تعیین مسئله و هدف، محقق شده و متون موضوع محور سودمند نخواهند بود. در فلسفه علوم نیز گفته می‌شود عامل وحدت و تمایز علوم از یکدیگر، دست کم در علوم ارتباطی، غرض آن علم است. در این مقاله همچنین اشاره می‌شود که موضوع سوره، توانایی انسجام بخشی به سوره را ندارد؛ چرا که در روش تحقیق گفته می‌شود متون موضوع محور از هم گسیخته و غیر منسجم‌اند. در فلسفه علوم نیز ثابت شده است که نمی‌توان به وسیله موضوع، علوم را از یکدیگر متمایز نمود. به علاوه در مقام عمل نیز مشخص شده است ارانه موضوعی که جامع تمامی مسائل سوره و مانع از مسائل دیگر سوره‌ها باشد، ناممکن است و در نهایت محققان نیز تعریفی از وحدت موضوعی ارانه داده‌اند که عملاً بازگشت به وحدت غرضی دارد.

واژگان کلیدی: انسجام سوره، وحدت سوره، غرض، مقصود، هدف، وحدت

موضوعی.

* دانش‌آموخته دکتری دانشگاه قرآن و حدیث. hamed.marefat@hotmail.com

** این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «نقش غرض در انسجام سوره‌های قرآن» و تحت حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فن‌آوران کشور می‌باشد.

یکی از مباحث به روز در زمینه شناخت سوره‌های قرآن کریم، مسئله انسجام سوره‌های قرآن می‌باشد. با این حال مفسران هنگام سخن از انسجام سوره‌ها بیان‌های متفاوت و گاه متضادی ارائه می‌دهند که باعث تردیدهای جدی در اصل وجود انسجام سوره‌ها می‌شود.

به نظر می‌رسد ضعف این دست تلاش‌ها فقر مبانی علمی لازم در زمینه چستی عامل حقیقی انسجام سوره‌ها و تلقی به قبول کردن نظریه «وحدت موضوعی» از جانب بسیاری از آنها باشد. این نظریه دچار اشکالات فراوانی است - که در مقاله حاضر بدان اشاره شده است - و در مقام عمل نیز ثابت شده است که به دلیل تنوع موضوعی فراوان سوره‌ها، جمع آنها حول یک موضوع محوری، عملاً ناممکن و تکلف‌آمیز است و بدین ترتیب باز هم تردیدها در اصل انسجام سوره‌ها تشدید می‌شود.

تحقیقاتی که در زمینه انسجام سوره‌ها به انجام رسیده، غالباً در پی اثبات اصل نظریه انسجام سوره‌ها بوده و عنایت خاصی به عامل انسجام‌بخش سوره و چستی آن ندارد. از جمله در **چهره پیوسته قرآن تألیف محمدعلی ایازی** که به تفصیل از پیوستگی و یکپارچگی سوره‌های قرآن سخن گفته است، اما به این مسئله پاسخ نمی‌دهد که سرمنشأ این وحدت چیست. برخی تحقیقات نیز صرفاً نظریه وحدت موضوعی را تقریر کرده‌اند؛ از جمله **حجازی و الابيض** که هر کدام کتابی با عنوان **الوحدة الموضوعية نگاشته اند**. برخی محققان هم در صدد نقد وحدت موضوعی برآمده‌اند از جمله **دغامین در التفسیر الموضوعی و حسینی** در نظریه «وحدت موضوعی قرآن: نگرش‌ها و چالش‌ها».

در این میان اولاً توجه کمی به چستی عامل انسجام شده و به‌نوعی وحدت موضوعی تلقی به قبول شده است؛ ثانیاً عنایت کافی به غرض به عنوان عامل انسجام و نظریه رقیب مشاهده نمی‌شود. مقاله حاضر ضمن پذیرش اصل انسجام سوره‌ها به عنوان پیش‌فرض برای اولین بار تلاش دارد با گرت‌برداری از چند دانش مختلف و البته مرتبط با مسئله انسجام، به صورت تفصیلی بررسی کند که آیا می‌توان در عوض

موضوع، غرض سوره را به عنوان عامل حقیقی وحدت‌بخش سوره معرفی کرد یا خیر. اگر این مسئله به اثبات رسد، انتظار می‌رود بسیاری از مشکلاتی که به سبب نظریه وحدت موضوعی درباره انسجام سوره‌ها به وجود آمده است، برطرف و راهبردی نو در عرصه پژوهش درباره انسجام سوره‌ها گشوده شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. غرض

«غرض» از لحاظ ریشه لغوی به معانی متباینی چون ملالت و شوق باز می‌گردد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۱۷). یکی از کاربردهای «غرض» هدفی است که به سوی آن تیر پرتاب می‌شود یا فرجامی که برای رسیدن به آن تلاش می‌شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۰۵). مفسران و محققان برای اشاره به غرض و هدف نزول سوره از الفاظی چون غرض، هدف، مقصود و مقصد استفاده می‌کنند که به نظر می‌رسد همگی با اندکی تفاوت به یک معنا اشاره داشته باشند.

غرض اصطلاحی است که مفسرانی چون علامه طباطبایی جهت نشان‌دادن محور انسجام و سیاق سوره به کار می‌برند. در تعریف غرض سوره گفته شده: «هدفی که خدای متعال تحقق آن را از فروآوردن آیات سوره تعقیب می‌نموده است؛ هرچند صریحاً نامی از آن در سوره نیامده باشد. هدف نزدیک‌ترین و بی‌واسطه‌ترین مقصود و منظور خدا از فرستادن سوره است» (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۸۲).

غرض را از جهت تأثیر آن بر ساختار و محتوای سوره نیز می‌توان تعریف کرد؛ بدین بیان که غرض سوره، عامل تشخیص سوره بوده و باعث وحدت و یکپارچگی کل متن سوره می‌گردد و خصوصیات ظاهری و محتوایی آن را معین می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶).

۱-۲. موضوع

موضوع از ریشه «و ض ع» می‌آید که به معنای پایین آوردن شیء می‌باشد (ابن‌فارس،

۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۷). موضوع در متون نوشتاری امری تصویری، کلی و زمینه‌ای است که حکمی در مورد آن صادر نشده است (پاکتچی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۳۰-۱۳۱/ <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/6011/62811>). در فلسفه علوم نیز تعریفی از موضوع وجود دارد: «ما بیحث فیه عن عوارضه الذاتیه» (شیخ اشراق، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۷۹/قزوینی، ۱۳۸۴، ص ۳).

گاهی از لفظ «موضوع» برای اشاره به «مسئله» استفاده می‌شود؛ لکن باید دانست که موضوع (Topic) غیر از مسئله (Problem) است. مسئله برآمده از دغدغه ذهنی نویسنده یا همان مشکله (Difficulty) بوده و انگیزه‌ای می‌شود تا شخص متنی را به هدف رفع این دغدغه سامان دهد (پاکتچی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۳۰-۱۳۱).

اما «وحدت موضوعی» اصطلاحی است که بسیاری از دانشمندان جهت اشاره به انسجام درونی سوره‌ها به کار می‌برند؛ بدان معنا که تمام مسائل مذکور در سوره بر مدار یک موضوع واحد گرد آمده‌اند (الابيض، ۱۴۳۳، ص ۲۶/مسلم، ۱۴۲۱، ص ۱۶/معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۹۳). البته باید توجه داشت که وحدت موضوعی در ادبیات علمی-عربی، به معنای تفسیر موضوعی نیز به کار می‌رود (الابيض، ۱۴۳۳، ص ۲۶/مسلم، ۱۴۲۱، ص ۱۶) که مراد ما در این نوشتار همان معنای اول است.

۲۰۲

بیت

کلام
معرفت

۳-۱. انسجام

انسجام از ریشه «س ج م» و در ادبیات عربی به معنای ریختن و جریان دادن شیئی چون آب و اشک می‌باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۳۶/ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۸۰). انسجام در باب انفعال به معنای روان‌شدن آب یا اشک است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۸۱/زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۳۳۴). انسجام به معنای پیوستگی و وحدت میان آیات است که متن را به منزله کلام واحدی در می‌آورد؛ در نتیجه مفاهیم و داده‌های آن در موضوعات گوناگون کاملاً همسو و هماهنگ و به دور از ناسازگاری و تعارض خواهند بود؛ بنابراین مراد از انسجام محتوایی، صرف وجود ارتباط (CONNECTION) و اتصال قوی یا ضعیف، کامل یا سطحی نیست؛ بلکه مراد نوعی یکپارچگی و وحدت (UNITY) می‌باشد که برخاسته از یک دید تمرکز یافته است (Mir, 2006, v.5, p.405).

در ادامه در قالب شش نوشتار به شواهدی اشاره می‌شود که نقش غرض را در انسجام‌بخشی متون و مشخصاً سوره‌های قرآن تأیید می‌نماید:

۲-۱. غرض عامل تکوین و وحدت متن از دید نظرات ادبی نو

اگر بپذیریم هر یک از سوره‌های قرآن یک متن^۱ است، نتیجه می‌گیریم که هر آنچه عامل تکوین و وحدت متن باشد، طبیعتاً عامل تکوین و وحدت سوره‌های قرآن نیز خواهد بود.

دیدگاه نوین در باب ماهیت متن «نظریه ارتباطی» نام دارد. بر مبنای این دیدگاه، زبان تنها در ترکیب جملات و تلفظ واژه‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه ویژگی مهم آن در مقام ارتباط زبانی مشخص می‌شود؛ به عبارت دیگر زبان صرفاً نظامی از نشانه‌ها نیست، بلکه بیش از هر چیز، کنشی به هدف ایجاد ارتباط است؛ از این رو زبان را صرفاً با توجه به نشانه‌ها نمی‌توان فهمید و آن را باید بر اساس نقشی فهمید که در ارتباط ایفا می‌کند (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵-۱۷۰). بدین ترتیب می‌توان متن را این‌گونه تعریف کرد: «متن دنباله‌ای محدود از نشانه‌های زبانی است که در ذات خود منسجم هستند و در کل وظیفه ارتباطی خاصی را انجام می‌دهند» (همان، ص ۱۴۴). این تعریف نشان می‌دهد که متن از لحاظ ارتباطی وظیفه‌ای خاص را انجام می‌دهد؛ به عبارت دیگر یک غرض ارتباطی در پس آن وجود دارد.

اهمیت وجود غرض ارتباطی در تکوین و وحدت متن باعث شده که اغلب دانشمندان غربی و اسلامی در تعریف متن بر این غرض تأکید کنند؛ برای نمونه راگر فولر در تعریف متن می‌گوید: «متن از سلسله‌ای از جمله‌ها ساخته شده و عموماً به‌طور متوالی آرایش یافته است که خواننده با دنبال کردن آن «معنا یا پیام خاصی» را استنباط می‌نماید. همین وجه معنایی متن است که آن را همچون کلّی یکپارچه از

۱. «Text» و به عربی «النص». باید توجه داشت که «متن» در اصطلاح نوین زبان‌شناسی اعم از نوشتار و گفتار و حتی اعم از نشانه‌های زبانی است؛ بنابراین متن دانستن قرآن به معنای نفی گفتاری بودن قرآن یا اثبات نوشتاری بودن آن نیست (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).

مجموعه‌ای جملات که به‌طور تصادفی در کنار هم قرار گرفته باشند، متمایز می‌کند» (معین‌الدینی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۵/ر.ک: طلحی، ۱۴۲۴، ص ۲۵۵-۲۵۶ و ۲۶۱/امیری خراسانی، ۱۳۹۴، ص ۸/دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰/جلالی، ۱۳۸۸، ص ۱۸/سیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸).

به همین دلیل است که گفته می‌شود قصد و نیت،^۱ یکی از مقومات اساسی متن بوده و هیچ متنی دارای دلالت نمی‌شود، مگر به فعل قصد متکلم (صیغی، ۱۴۲۹، ص ۹۶). به گفته میخائیل بختین دو عامل متن را پدید می‌آورند: نیت (عزم) و تنفیذ این نیت (همان، ص ۹۷).

دانشمندان علم ارتباطات (Communication) نیز به‌نوعی دستاورهای زبان‌شناسی را تأیید می‌کنند؛ زیرا در این علم تأکید می‌شود که تمام ارتباط‌گیری‌های میان انسان‌ها مبتنی بر هدف بوده و آن هدف در غالب موارد عبارت است از اقناع مخاطب (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵/وردی-نژاد، در: تئوری‌های ارتباطات اقتصاعی <http://www.verdinejad.com/visitorpages/show.aspx?isdetailist=true&itemid=30501,8>).

۲-۲. غرض عامل تکوین متن از دید نحو

ادیبان اسلامی قرن‌ها پیش از ادیبان معاصر غربی به جایگاه قصد و نیت در تکوین متن پی برده بودند و در تعریف متن (و به اصطلاح خود نحویین کلام)، قید مفیدبودن را وارد کرده بودند. ابن‌مالک (م ۶۲۷ق) می‌نویسد: «کلامنا لفظٌ مفیدٌ کاستقم» (سیوطی، [بی‌تا]، ص ۹).

همان‌گونه‌که مشاهده می‌شود، قید مفیدبودن در قوام کلام (یا به اصطلاح امروزی: متن) نقش دارد. سیوطی (م ۹۱۱ق) توضیح می‌دهد که این قید برای خارج کردن امثال «ان قام» (جمله شرط بدون جزا) می‌باشد. وی از سیوییه نقل می‌کند که حتی جملاتی چون «النار حارة» نیز با این قید خارج می‌شود؛ چراکه داغ‌بودن آتش امری بدیهی بوده و فایده‌ای بر ذکر آن مترتب نیست (همان، ص ۱۰)؛ همچنین نقل می‌کند که جمله صلّه، کلام به حساب نمی‌آید؛ زیرا مقصود اصلی گوینده نیست (همان). خود ابن‌مالک نیز در جای دیگر بر خارج‌بودن این نوع از جملات از تعریف کلام تصریح می‌کند (ابن‌مالک،

۱. قصد و غرض گرچه با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، تلازم میان آنها انکارناپذیر است.

قید «کاستقم» در تعریف بر خارج بودن سخنان بدون قصد تأکید دارد (سیوطی، [بی تا]، ص ۱۰)؛ از این روست که نحویین ظریف‌نگر از گذشته بین «جمله» و «کلام» تفاوت قائل شده‌اند. ابن هشام بر کسانی که این دو را یکسان دانسته‌اند، خرده گرفته، تصریح می‌کند: کلام اخص از جمله است و جملاتی مانند شرط و جزا کلام به حساب نمی‌آیند؛ زیرا شرط تکوین کلام، مفید بودن است. وی نیز مانند ابن مالک علاوه بر فایده، قصد را نیز در تعریف کلام ذکر می‌کند: «الكلام لفظ مفید بالقصد» (ابن هشام، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۷۴). شیخ بهائی نیز هنگام تعریف به این تفاوت توجه داشته، در تعریف جمله می‌گوید: «قول تضمن کلمتین باسناد» (بهائی، ۱۳۹۱، ص ۶۱)؛ اما در تعریف کلام قید مفید بودن را اضافه می‌کند: «لفظ مفید بالاسناد» (همان، ص ۱۰).

این نظریه - که قوام متن بر قصد و غرض استوار باشد و در بیان ادیبان امروزی غربی و ادیبان قدیم اسلامی مورد تأکید قرار گرفته بود - بر سوره‌های قرآن کاملاً قابل تطبیق است؛ زیرا گذشت که سوره‌های قرآن، متن بوده و خصوصیات عمومی متن بر آن قابل تطبیق است؛ از جهت دیگر نشانه‌های وجود غرض ارتباطی در قرآن کاملاً آشکار است. قرآن با تعبیرهای گوناگون در آیات متعدد به این غرض ارتباطی تصریح کرده است: انذار، هدایت، ارائه میزان، اعطای بصیرت و... (انعام: ۱۹/ جائیه: ۲۰/ هود: ۱ و...).

۲-۳. غرض عامل تکوین سیاق

سیاق به معنای وحدت حاکم بر یک کلام پیوسته و مترابط بوده (تقیان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸-۱۲۹) و اساس و روح متن را شکل می‌دهد (کنعانی، ۱۳۹۱، ص ۲۳). اساساً هر جا کلامی باشد، سیاق نیز هست (بستانی، ۱۳۹۳، ص ۴). در تعریف اصطلاحی سیاق، نظرات مختلف و البته کمابیش همراستایی بیان شده است (ر.ک: ستوده‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۶۰/ کاشانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰). از جمله کامل‌ترین آنها بدین قرار است: «سیاق ساختار کلی و فضای معنایی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای واژه یا عبارت اثر می‌گذارد» (ستوده‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۶۷).

این تعاریف گرچه از جهاتی صحیح و قابل دفاع‌اند؛ اما از یک نقص اساسی رنج می‌برند: همگی ناظر به خواننده متن هستند؛ اما حقّ مطلب این است که سیاق را از ذهن و فکر نویسنده اقتباس کنیم (پورفرد، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸). گفته می‌شود سیاق یک مفهوم اساسی است که نخست در ذهن گوینده شکل می‌گیرد و بر اساس آن، معانی و مفاهیم نظم می‌یابند و سپس آن معنا برای انتقال به مخاطب در قالب الفاظ ظهور می‌یابد. بدین جهت می‌توان گفت سیاق عامل همبستگی کلام با تفکر آدمی است. کارکرد اصلی سیاق سوق‌دادن مخاطب به سمت غرض اصلی صاحب سخن است (کنعانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). با این وصف لازم است شروط تحقق سیاق بازنگری شود. مشهور است که تحقق سیاق در قرآن منوط به وجود دو شرط است: وحدت موضوع و وحدت نزول (ر.ک: ستوده‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۶۸-۶۹).

با توضیحات فوق روشن می‌شود که هیچ یک از دو شرط فوق نه لازم‌اند و نه کافی؛ زیرا یگانه عامل شکل‌گیری سیاق، وجود قصد واحد در ذهن متکلم است. چه‌بسا متنی در موضوعات مختلف و به تدریج در زمان‌های مختلفی ایراد شده باشند؛ اما در عین حال به دلیل اتصال تمامی اجزای آن به قصد واحد، سیاقمند باشد؛ نیز ممکن است دو متن در یک موضوع و پشت سر هم ایراد شده باشند؛ اما به دلیل آنکه متکلم از هر متن، قصد متفاوتی داشته است، سیاقی میان آن دو برقرار نباشد.

آیا سوره‌هایی که در چند مرحله و در چند موضوع نازل شده‌اند، فاقد سیاق کلی‌اند؟ آیا کل قرآن نیز که در طول ۲۳ سال و در موضوعات مختلف نازل شده است، فاقد سیاق حاکم است؟ فراموش نکنیم که انکار سیاق به منزله انکار اساس و روح متن است که نتیجه آن، انکار سوره‌بودن سوره‌ها به عنوان یک واحد مستقل دارای هویت مستقل می‌باشد. همچنین قرآن‌بودن قرآن به عنوان مصحف واحد و دارای هویت مستقل را زیر سؤال برده، آن را به جسدی از هم‌گسیخته و بدون روح تبدیل می‌کند.

از همین روست که گفته می‌شود مفسران تبلور سیاق را منوط به قصد متکلم دانسته، غرض کلام را عنصر اساسی در فهم سیاق معرفی می‌کنند (مطیری، ۱۴۲۹، صص ۶۵-۶۶ و ۷۱/ر.ک: کوثری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷). علمای دقت‌بین گذشته نیز بعضاً به نقش غرض در تشکیل سیاق توجه داشته‌اند. سجلماسی از دانشمندان قرن هشتم سیاق را این‌گونه تعریف می‌کند: «ربط القول بغرض مقصود علی القصد الاول». مراد وی این

Archive of SID
است که سیاق، کلام را به غرض مقصود اصلی مرتبط می‌نماید (باحویرث، ۱۴۲۸، ص ۴۰).

خلاصه سخن آنکه عامل اصلی یکپارچگی و تناسب معنایی اجزای متن، سیاق حاکم بر متن است؛ اما خود سیاق، بر اساس غرض اصلی گوینده شکل گرفته است و غرض عنصر بالادستی سیاق به شمار آمده و شرط لازم و کافی در تحقق سیاق است. مع الوصف نظر به اینکه سوره‌های قرآن کریم، انسجام مفهومی خود را مدیون وجود سیاق واحد می‌باشند، بالطبع دارای غرض واحد نیز هستند و اساساً همین غرض باعث شکل‌گیری سیاق شده است. پس اذعان به وجود سیاق در قرآن، به معنای اذعان به وجود غرضی است که سیاق را شکل داده است؛ به عبارت دیگر انکار غرض به معنای انکار سیاق خواهد بود.

۴-۲. غرض عامل اتصاف کلام به بلاغت

دانشمندان علم معانی به اهمیت غرض در اتصاف کلام به بلاغت توجه کرده‌اند. آنان تصریح می‌کنند که کلام بلیغ، کلامی است که موافق غرض متکلم باشد. علم بیان به اسلوب‌هایی می‌پردازد که مقصود و غرض متکلم را به زیبایی و کمال ادا نماید (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۴۴/ر.ک: مراغی، [بی‌تا]، ص ۴۱). موضوع این علم نیز لفظ عربی «از حیث افاده غرض» مقصود متکلم است (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

توضیح آنکه هر صاحب سخنی قصد دارد مفهوم خاصی را به مخاطب انتقال دهد. او برای انتقال مقصود از نشانه‌هایی (الفاظ) استفاده می‌کند که هر کدام معنای خاص خود را دارند، لکن کلام خویش را در ساختاری عرضه می‌کند که علاوه بر معنای موضوع‌له الفاظ، مقصود ویژه مورد نظر متکلم را نیز به بهترین نحو انتقال دهد؛ به عبارت دیگر از ترکیب چند نشانه، نشانه جدیدی جهت افاده غرض مورد مقصود خویش ایجاد می‌کند؛ از این رو دانشمندان علم بیان معتقدند هر کلام حکیمانه، علاوه بر معنای اولیه الفاظ دارای معنای ثانویه نیز هست (ر.ک: تفتازانی، [بی‌تا]، ص ۲۹، پاورقی/دسوقی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۴۸/سیالکوتی، ۱۳۶۲، ص ۵۷-۵۸/محمدی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۵۸). در علم معانی هیچ عنایتی به معنای اولیه نمی‌شود، بلکه تمرکز بر معنای ثانویه است؛ زیرا علم معانی، علم کشف نشانه‌هایی که به غرض پنهان‌شده در پس سخن اشاره دارند

بنابراین سخنی که هیچ مقصود ویژه‌ای نداشته باشد، از لحاظ علم معانی، فاقد ملکه بلاغت قلمداد می‌شود. بلاغت یعنی مطابقت کلام با مقتضای حال (تفتازانی، [بی‌تا]، ص ۲۵). به گفته تفتازانی مطابقت و عدم مطابقت به اعتبار معانی و اغراضی است که کلام برای نیل به آنها چیده شده است نه به اعتبار الفاظ مفرد و کلمات مجرد (همو، ۱۳۷۶، ص ۲۲ و ر.ک: [بی‌تا]، ص ۲۸). ابن‌جنی نیز تصریح می‌کند که دانشمند بلاغی در پی کشف مطابقت و عدم مطابقت نشانه‌ها یا دوال (الفاظ) با غرض سخن است (ابن‌جنی، [بی‌تا]، ص ۳۷). حتی عبدالقاهر به‌طور کلی نظم کلام را منوط به وجود غرض خاص در پس الفاظ می‌داند (تفتازانی، [بی‌تا]، ص ۲۷).

پس بی‌پایه نیست اگر گفته شود غرض متکلم، اساسی‌ترین بخش در جهت‌گیری و اتجاه جریان کلام و عامل مهم در بلاغت سخن او به شمار می‌رود. نظم و اسلوب کلام از نوع غرض تبعیت کامل دارد؛ زیرا هر غرضی اسلوب کلامی ویژه‌ای و چینش مناسبی را برای مفاهیم طلب می‌کند (کنعانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

خلاصه آنکه در علم بلاغت و معانی و بیان تنها به مطالعه متونی پرداخته می‌شود که دارای معنای ثانوی باشد. وجود معنای ثانوی نیز منوط به وجود غرضی در ورای الفاظ است. نتیجه آنکه شرط لازم جهت اتصاف سخن به بلاغت، وجود غرض در کلام است و اگر کلامی فاقد غرض باشد، اساساً متصف به بلاغت نخواهد شد. از طرف دیگر همگان اعتراف دارند که قرآن و سوره‌های آن بر سستیغ بلاغت قرار داشته و هر کلام بلاغی در کنار آن رنگ می‌بازد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۴). نتیجه آنکه تمامی سوره‌های قرآن به دلیل اتصاف به بلاغت، حتماً دارای معنای ثانویه و اغراض ویژه‌ای می‌باشند که در پس الفاظ ظاهری آن پنهان شده است و هدف اصلی نزول سوره نیز همان اغراض است. راز بلاغت سوره‌های قرآن نیز تطابق کامل الفاظ با آن اغراض بوده و انکار وجود غرض به معنای انکار بلاغت سوره‌های قرآنی است.

در میان متون مختلف ضابطه‌مندترین آنها متون تحقیقی هستند؛ زیرا مقتضیات علم ایجاب می‌کند که متون تدوین‌شده در این حوزه از هر جهت منسجم و سازوار است؛ در غیر این صورت وجه علمی خود را از دست خواهد داد؛ بنابراین این دسته متون بهترین نمونه برای کشف عامل انسجام متن به شمار می‌آید. در زمینه شکل‌گیری یک متن تحقیقی منسجم، عناصر متعددی حضور دارند و انسجام متن به تناسب آنها وابسته است از جمله مشکله (Difficulty)، مسئله (Problem)، موضوع (Topic)، هدف (Aim)، سؤالات (Questions)، فرضیات (Hypothesis)، روش (Method) و ...

شکی نیست که تمامی عناصر مذکور ملازم یکدیگرند و گزینش صحیح هر یک از آنها مستلزم در نظر گرفتن دیگر عناصر است (Brause, 2000, p.100)؛ اما طبیعتاً نمی‌توان همه این عناصر را یک جا تعیین نمود و علی‌القاعده بایستی از نقطه‌ای شروع و قدم به قدم، سایر عناصر را با توجه به آن شناسایی و تعیین کرد.

همان‌گونه که مشخص است، شاه‌کلید اصلی انسجام طرح تحقیقاتی مشکله یا همان مسئله است و همه چیز در سایه آن تعیین می‌شوند. اگر نویسنده هیچ مشکلی را احساس نکرده باشد و ذهنش درگیر مسئله‌ای نشده باشد، طبیعتاً حرکتی انجام نخواهد داد و به مقصدی نیز نخواهد رسید (هادی‌پور شافعی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۹/لونیبرگ، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰/ <http://www.payanname-m.com/> ۱۳-اهداف-تحقیق/اهداف تحقیق). محقق پس از تعیین مسئله، هدفی را برای خود ترسیم می‌نماید که همان حل مسئله است و با معین شدن هدف، سایر عناصر متن تحقیقی معین می‌شوند (محمدنژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۶-۱۷/قائمی، ۱۳۵۶، ص ۶۸/حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۷۰)؛ بنابراین مشکله و مسئله تنها ایجاد‌انگیزه کرده، محقق را به اتخاذ حرکت وادار می‌دارد؛ اما حقیقت خارجی متن که در سؤالات و فرضیات و اطلاعات عرضه‌شده نمود دارد، توسط هدف ایجاد می‌شود؛ از این‌روست که بر لزوم تعیین هدف و نقش آن در فرایند نگارش متن تأکید بسیاری وجود داشته و از آن به عنوان نیروی پیش‌برنده تحقیق یاد می‌شود (داوسون، ۱۳۹۰، ص ۶۰/ر.ک: قائمی، ۱۳۵۶، ص ۶۶-۶۸/حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۷۰/ Hunt, 2005, p.45).

اکنون پس از تثبیت نقش غرض در انسجام متون علمی می‌توان این نکته را به دو

دلیل اول: متن قرآن گرچه متن علمی مصطلح نیست و حتی علمی دانستن آن به نوعی نقص و کسر شأن برای قرآن محسوب می‌شود، از طرف دیگر نبایستی در مقایسه با متون علمی دارای ضعف و کاستی باشد؛ به عبارت دیگر متن قرآن گرچه علمی نیست، غیرعلمی هم نباید باشد. برخی خصوصیات متون علمی بنیادی است؛ بدان معنا که نبود آن، علمی بودن متن را از بین می‌برد؛ مانند قابل اثبات بودن، منسجم بودن و...؛ اما برخی خصوصیات، کمالی است که دخلی به علمیت متن نداشته، صرفاً باعث پیراستگی متن علمی می‌شود؛ مانند پرهیز از استطرادگویی پرهیز از عبارت‌پردازی و... .

وجود خصوصیات کمالی در قرآن ضروری نیست؛ اما اگر سوره‌های قرآن کریم فاقد خصوصیات بنیادین باشند، اعتبار و ارزش خود را از دست داده، هرگز در محافل علمی قابل عرضه نخواهند بود؛ امری که کاملاً از ساحت قرآن به دور است.

دلیل دوم: متون به سه دسته اصلی «علمی»، «ادبی» و «وحيانی» تقسیم می‌شوند (سیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶). متون وحيانی ماهیتی مرکب از علم و ادب دارند که هم عقل آدمی را مورد خطاب قرار می‌دهد و هم عاطفه او را سیراب می‌کند؛ بنابراین متن قرآن بایستی دست‌کم واجد ویژگی‌های بنیادین هر دو دسته باشد؛ از جهت دیگر از نوشتار فعلی و پیشین (مباحث سیاق و بلاغت) مشخص شد که غرض‌مداری، ویژگی بنیادین مشترک متون علمی و ادبی است؛ بنابراین نباید تردید کرد که متن وحيانی قرآن که مرکبی از هر دو گونه است، واجد چنین ویژگی خواهد بود.

۲-۶. غرض ملاک وحدت و تمایز علوم

در این نوشتار یک بحث نظیری مطرح می‌شود و سوره‌های قرآن از جهت وحدت و تمایز به علوم تنظیر می‌شوند. در تعریف علم گفته می‌شود: هر علم مجموعه‌ای مدون از قضایاست که به واسطه محوری خاص با یکدیگر متقارب شده‌اند (بیدهندی، ۱۳۷۴، ص ۵۹/رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). سؤال اساسی این است که آن محور خاص چیست؟ در این باب نظریات مختلفی وجود دارد و ملاک‌های متعددی برای وحدت و

نظر به اینکه برخی ملاک‌ها به برخی دیگر بازگشت داشته، برخی نیز مقبولیت عمومی ندارند، تنها دو ملاک اصلی جای بحث دارد: موضوع که قدم‌ها بر آن تأکید داشته‌اند (بروجردی، ۱۴۱۵، ص ۹/عابدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹) و غرض که بسیاری از متأخرین بر آن تأکید دارند (خراسانی، ۱۴۲۹، ص ۸).^۱ تحلیل نقش موضوع در انسجام در ادامه نوشتار در نقد نقش موضوع در انسجام سوره‌ها خواهد آمد و اکنون به تحلیل نظریه دوم، یعنی نقش غرض در وحدت و تمایز علوم خواهیم پرداخت.

در تعریف غایت علم گفته می‌شود: غایت ذاتی هر علم به عنوان خاصیت ذاتی کلیت علم منظور می‌گردد... توقعی که ما از علم به لحاظ تابع ذاتی آن داریم، انگیزه و غرض ما را از علم تعیین می‌کند (عابدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵). مرحوم *آخوند خراسانی* تأکید می‌کند که ملاک وحدت مسائل علوم و تمایز علوم از یکدیگر غایات آنهاست (خراسانی، ۱۴۲۹، ص ۷-۸). مرحوم *محقق اصفهانی* نیز در تعریف علم، مستقیماً به غرض اشاره و تصریح می‌کند که وحدت غرض باعث می‌شود دو فن ذیل یک علم قرار بگیرد و تعدد غرض باعث تعدد علوم می‌شود (محقق اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۲). مرحوم *آخوند غرض* را عامل تمایز تمامی علوم معرفی کرده‌اند؛ لکن برخی علما چون علامه *طباطبایی* (طباطبایی، [بی تا]، ص ۱۰-۱۲) و هم‌نظران ایشان (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴-۱۴۵/بیدهندی، ۱۳۷۴، ص ۵۹/ر.ک: رکامی، ۱۳۸۴)، غرض را تنها در علوم اعتباری^۲ به عنوان

۱. البته گاهی به روش به عنوان سومین عامل وحدت و تمایز اشاره می‌شود که ایرادهای خاص و عمومیت کمتری دارد (ر.ک: کاکایی، ۱۳۹۴، ص ۷۲/حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴).
۲. در تعریف علوم اعتباری گفته می‌شود علمی که شخص یا گروهی خاص آن را با هدف و منظوری خاص وضع می‌کند؛ به عبارت دیگر در علوم اعتباری، خود شخص واضع و هدف او موضوعیت دارد. علوم اعتباری برای عمل وضع شده‌اند و برای رسیدن به هدفی خاص جنبه کاربردی دارند؛ یعنی عمل به آنها مطرح است نه صرف علم به آنها (کاکایی، ۱۳۹۴، ص ۷۴). علوم اعتباری در برابر علوم برهانی قرار دارد که در تعریف آن گفته می‌شود علمی هستند که اولاً رابطه بین موضوع و محمول واقعی و نفس‌الامری باشد و نه اعتباری. بدین روی علمی مانند فقه و اصول از این مقوله خارج است؛ ثانیاً قابل استنتاج منطقی باشد؛ یعنی برهان به معنای صحیح منطقی بر آنها صدق کند و قضایای آنها کلی باشد و نه شخصی؛ از این رو علمی مانند تاریخ و جغرافیا محل بحث نیست (صفدری، ۱۳۸۵، ص ۱۱). ناگفته نماند که نزاع بر تشخیص و تمایز علوم برهانی از علوم اعتباری در مقام مصداق خود معرکه آراست (ر.ک: فرامرز قوام‌ملکی، ۱۳۷۱-۱۳۷۲، ص ۱۲۸/عابدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳-۳۴).

عامل انسجام و تمایز پذیرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت بسیاری از علمای متأخر و چه‌بسا غالب ایشان، عامل انسجام علوم را غرض می‌دانند؛ لکن برخی در مطلق علوم و برخی تنها در علوم اعتباری.

هدف غایی ما در این نوشتار تنظیم ماحصل بحث بر متون منسجم و مشخصاً سوره‌های قرآن بود. در توضیح باید گفت گرچه متون منسجم را نمی‌توان علم نامید، تنظیم آن بر علوم امکان‌پذیر است؛ زیرا اولاً، هر دو دارای انسجام هستند؛ ثانیاً هر دو منعکس‌کننده تفکرات مدون خویش هستند؛ ثالثاً هر متن کاربردی و هدفمند، به یک علم تعلق دارد؛ بنابراین مختصات کلی آن علم در این متن نیز وجود خواهد داشت.

نیز متون کاربردی و مشخصاً سوره‌های قرآن بیشترین قرابت را به متون اعتباری دارند؛ زیرا متون اعتباری برای رسیدن به هدفی خاص، جنبه کاربردی دارند. بنابراین نظر به اینکه گفتمان غالب معاصر در باب ملاک وحدت و تمایز علوم- دست‌کم در علوم اعتباری- غرض است، به احتمال قریب به یقین، ملاک وحدت و تمایز متون منسجمی چون سوره‌های قرآن نیز باید غرض باشد.

۳. یک غرض یا چند غرض

تا کنون مشخص شد که عامل انسجام سوره غرض است. اکنون این پرسش مطرح است که آیا هر سوره الزاماً یک غرض دارد یا دارای اغراض متعدد است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند تحقیقی مستقل است؛ اما اجمالاً می‌توان گفت وجود اغراض متعدد برای یک سوره دو فرض دارد: یا این اغراض کاملاً بیگانه و ناسازگار با یکدیگرند یا نوعی هماهنگی میان آنها وجود داشته و قابل جمع می‌باشند. اما فرض دوم یعنی وجود نوعی هماهنگی میان اغراض که امکان تجمیع آنها را ممکن سازد، این فرض، انسجام سوره را زیر سوال نبرده، به نظر نمی‌رسد این‌گونه تعدد غرض، مشکل‌ساز باشد؛ برای مثال هر غرض معطوف به بُعدی خاص از یک کلان‌مسئله باشد؛ مثلاً یک سوره در پی اصلاح رفتاری جامعه است و در عین حال به اصلاح فکری جامعه نیز می‌پردازد. یا سوره‌ای بنا بر اعتبارات و شرایط مختلف، اغراض متعددی را افاده نماید؛ برای نمونه شاید بتوان گفت سوره مبارکه کوثر نسبت به پیامبر ﷺ غرض تسلی و دلگرمی دارد؛ اما

نسبت به دشمن وی غرض اسکاتی داشته و نسبت به مسلمانان غرض رفع شبهه را پیگیری کرده است. اما فرض اول یعنی وجود اغراض بیگانه ناسازگار، درحقیقت به معنای نفی انسجام سوره خواهد بود که خلاف فرض است؛ چراکه علی‌القاعده یک متن واحد منسجم هماهنگ نمی‌تواند دو یا چند غرض کاملاً بیگانه و ناسازگار را افاده کند. آری اگر گمان ما نسبت به سوره‌های قرآن به مثابه سطور مختلف یک کشکول‌نامه باشد که هر کدام به حالی و شأنی اشاره می‌کند که نه میان آنها تقدم و تأخری وجود دارد و نه تناسبی و نه هنگام نگارش ایده‌ای درباره حجم و محتوای آن مدنظر نگارنده بوده است، می‌توانیم به تعدد اغرض متباین برای سوره‌ها قائل شویم.

۴. شواهد ردکننده نقش موضوع به عنوان عامل انسجام سوره‌های قرآن

در قسمت قبل مشخص شد که عامل انسجام سوره‌های قرآن، غرض سوره می‌باشد. اکنون این پرسش پیش می‌آید که نقش «موضوع» و «وحدت موضوعی» در این میان چیست؟ با توجه به اینکه در قسمت قبل با شش شاهد، نقش غرض در انسجام بخشی سوره‌ها به اثبات رسید، عملاً نقش موضوع و هر عامل احتمالی دیگری منتفی شده یا نهایتاً تحت سایه غرض، معنادار می‌شوند. گذشته از این خود موضوع را نیز می‌توان بررسی کرد و شواهدی بر عدم نقش موضوع در انسجام سوره‌ها بیان داشت. در ادامه این مسئله از دو جهت ثبوتی، اثباتی و نیز تحلیل عملکرد محققان، بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. واکاوی جایگاه موضوع از حیث ثبوتی

در این قسمت با بهره‌گیری از مباحث مطرح‌شده در روش نگارش متون تحقیقی و نیز فلسفه علوم به نقد نظریه وحدت موضوعی خواهیم پرداخت و شواهدی را در رد آن بیان خواهیم نمود:

۴-۱-۱. بررسی نقش موضوع در انسجام متون تحقیقی

ممکن است گمان شود نقش کلیدی انسجام‌بخش متون تحقیقی، موضوع پژوهش است؛ اما گزارش‌هایی که در سطور پیشین بیان شد، به‌خوبی نشان داد که هرچه هست،

Archive of SID
حول مسئله و هدف پژوهش می‌باشد. اصولاً موضوع اصلی تحقیق، کلی و زمینه‌ای

بوده (<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/6011/62811>) و امری
تصوری است که حکمی در مورد آن صادر نمی‌شود (پاکتنچی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۳۰-۱۳۱)
و برخی معتقدند موضوع یک متن، خود مجموعه واژگانی متنوع از مسئله است.
(<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/6011/62811>). اساساً گفته
می‌شود «موضوع» در تحقیق مسئله‌محور، امری تبعی و ثانوی است که صرفاً برای اشاره
به مجموعه‌ای از مسائل هم خانواده عنوان می‌گردد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵).
پس طبیعتاً نمی‌تواند موتور محرک متن و هماهنگ‌کننده تمامی اجزای آن باشد.

نه تنها در مباحث روش تحقیق، بلکه به‌طور کلی در مباحث ادبی نو نیز گفته می‌شود
موضوع هر متن همیشه در دسترس نیست. حتی پیشاپیش هم قابل فرض نیست که متن
معینی دارای یک یا چند موضوع باشد یا شاید هیچ موضوعی نداشته باشد (البرزی،
۱۳۸۶، ص ۲۰۳). گفته می‌شود آسیب رایج در تدوین پایان‌نامه‌ها یعنی پراکنده‌کاری و
عدم انسجام، محصول تبعات موضوع‌محورانه است (فرامرز قراملکی و شالیف، ۱۳۸۵،
ص ۵۷-۵۸). طراحی موضوع‌محورانه ساختار پژوهش، آفات فراوانی را به وجود می‌آورد
و در نهایت آن را عقیم می‌سازد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷). به همین دلیل است که
کارل پوپر نقل می‌کنند: «ما پژوهنده در موضوع خاص نیستیم؛ بلکه پژوهنده در
مسائلیم» (پوپر کارل، حدسها و ابطالها، ص ۸۳ به نقل از: همان).

نکته دیگر آنکه حتی متونی که به هدف آموزشی و موسوعه‌نویسی نگاشته شده و
موضوع‌محور تلقی می‌شوند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸)، باز هم درحقیقت دارای
اهدافی کاملاً مشخص و معین‌اند؛ زیرا همین که گفته می‌شود «به هدف آموزش یا
موسوعه‌نویسی»، خود تصریحی بر وجود هدف است؛ چه آنکه همین هدف عامل
تعیین‌کننده ساختار، حجم، عمق و... متن می‌باشد (قنایی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۱)؛ برای مثال
رساله‌ای در موضوع حج که با هدف تحلیل احکام حج برای طلاب درس خارج
نگاشته شده باشد، با رساله‌ای دیگر در همان موضوع و مسائل که با هدف آموزش
احکام حج به افراد عامی رهسپار حج نگاشته شده است، بسیار متفاوت خواهد بود.

خلاصه آنکه هر متن علمی، اعم از مسئله‌محور و موضوع‌محور، برای برخوردار
از انسجام، نیازمند هدف است؛ خواه این هدف درونی باشد، بسان متون مسئله‌محور یا

بیرونی باشد، بسان متون موضوع محور، مادامی که نویسنده هدفی از نگارش نداشته باشد، محال است بتواند متن منسجمی ارائه نماید و اگر به پندار خود متنی را تهیه نمود، محکی در دست ندارد که بتواند با توجه به آن، انسجام متن را نشان دهد.

از مباحث نوشتار فوق مشخص می شود که حتی اگر متن سوره های قرآن را متونی موضوع محور فرض کنیم، باز نیازمند غرضی خاص هستیم تا بتوان توجیه کرد که چرا از انبوه مسائل مرتبط با موضوع اصلی سوره، چند مسئله خاص گزینش و به سبکی خاص ارائه شده اند؛ برای نمونه اگر فرض کنیم موضوع سوره یوسف، حضرت یوسف است، این سؤال پیش می آید که از انبوه مسائل مربوط به حضرت یوسف که از پیش از تولد تا پس از رحلت ایشان را شامل می شود و می تواند ده ها جلد کتاب را در برگیرد، چرا چند مسئله خاص گزینش شده است؟ به نظر می رسد علت گزینش، تناسب یا عدم تناسب این موضوعات با «هدف سوره» است. هدف سوره تشویق پیامبر ﷺ و مؤمنان بر صبر و استقامت است (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۲۴۰)؛ از این رو تنها به فضاییابی از زندگانی حضرت یوسف پرداخته شده که در این راستا باشد.

۲-۱-۴. نقد موضوع به عنوان عامل وحدت و تمایز علوم

همان گونه که در مبحث عامل وحدت و تمایز علوم گذشت، طبق دیدگاه قدما هر کدام از علوم، موضوعی جدا و متمایز با حوزه های از عوارض یا محمولات دارد و همین موضوع است که سبب تمایز و وحدت علوم می شود (عابدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳). اما باید دانست که این دیدگاه از دو جهت مورد نقد معاصران قرار گرفته است: جهت نخست، عدم وجود تعریفی روشن از «موضوع علوم»؛ دوم، عدم امکان تطبیق عملی این دیدگاه بر علوم که در ادامه ذکر می شود:

نقد اول: ملاک بودن موضوع برای تمایز علوم متوقف بر کشف و فهم موضوع علوم است؛ لکن اصل تعریف موضوع علوم معرکه آراست. در تعریف موضوع هر علم مشهور است که «ما یبحث فیه عن عوارضه التي تلحقه لما هو هو» (قزوینی، ۱۳۸۴، ص ۱۳ شهرزوری، ۱۳۸۳، ص ۱۱) یا «ما یبحث فیه عن عوارضه الذاتیه» (شیخ اشراق، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۷۹/ صدر المتألهین، ۱۳۷۵، ص ۲۳۱).

این تعریف از زمان ارسطو به صورت یک قاعده کلی در آمده و دانشمندان هر

علمی اعم از نحو و کلام و فلسفه نیز سعی کرده‌اند با مشقت فراوان در پرتو قاعده فوق موضوع علم خود را تبیین نمایند. در این میان برخی اهل دقت در برخی موارد چنین تلاش‌هایی را عقیم و بی‌فایده شمرده‌اند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۷۱-۱۳۷۲، ص ۱۲۴-۱۲۵). ... به هر حال این قاعده به هیچ روی کلی نیست؛ زیرا بسیاری از علوم اساساً از عوارض ذاتی بحث نمی‌کنند، یا موضوعات آنها همگی شخصی و بسیط است و بسیاری دیگر موضوع واحدی ندارند یا موضوع آنها امور حقیقی و متأصل نیست» (همان، ص ۱۲۷)؛ همچنین در علوم اعتباری اصولاً «ذاتی واقعی» در کار نیست تا از خواص و عوارض آن بحث شود (کاکایی، ۱۳۹۴، ص ۷۵). به علاوه هر دو کلمه «عرض» و «ذاتی» که در تعریف موضوع اخذ شده است، خود معرکه آراست و به معانی متعدد و بعضاً متضادی تعریف شده است (بیدهندی، ۱۳۷۴، ص ۶۰) و در نهایت گفته شده است که در علوم، موارد فراوانی پیدا می‌شود که محمول آن عرض ذاتی موضوع نیست (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱-۱۳۵) و نقدهای دیگر (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۳-۱۴/ فرامرزی قراملکی، ۱۳۷۱-۱۳۷۲، ص ۱۵۰).

خلاصه آنکه دانشمندان در اصل تعریف موضوع علوم اختلاف دارند تا چه رسد که این موضوع بخواهد عامل وحدت و تمایز علوم از یکدیگر شود.

نقد دوم: بر فرض وجود تعریفی مشخص از موضوع باید گفت موضوع گرچه طریقی برای شناخت و تمایز نسبی علوم است، کافی نیست (عابدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵). به گفته امام خمینی التزام به موضوع محوردانستن همه علوم غیرموجه و تکلف‌آمیز بوده، باعث می‌شود بسیاری از مباحث آن علم استطرادی قلمداد شود. به گفته ایشان نه تنها دلیلی بر این التزام و تکلفات و عوارض ناخواسته آن در بین نیست، بلکه برهان بر خلاف آن وجود دارد (امام خمینی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۶). *آخوند خراسانی* نیز در نقد عامل وحدت و تمایزدانستن موضوع می‌نویسد: التزام به موضوع محوری باعث می‌شود هر باب علم و بلکه هر مسئله از هر باب علم خود علمی علی حده شود (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۷-۸).

در توضیح باید گفت: موضوع بما هوهو، کلی و زمینه‌ای است (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴) و بی‌نهایت قابل بسط است. پس اگر قرار باشد موضوع را ملاک وحدت علوم معرفی کنیم، با مشکلات بسیاری - دست‌کم از جهت مانعیت - روبه‌رو می‌شویم؛ زیرا

وجداناً در می‌یابیم که در هیچ علمی از تمامی مسائل مربوط به موضوع آن علم بحث نمی‌شود. از این روست که قائلان به موضوع محوری تلاش‌ها و مشقت‌های فراوانی به خرج داده‌اند تا با اضافه کردن قیود و حیثیات مختلف، دایره موضوع را منطبق با مسائل علوم مورد نظر خود نمایند؛ اما مقید کردن موضوع به حیثیات، خود شروع ماجرابی دیگر است؛ زیرا این بار نزاع پیش می‌آید که کدام حیث و چرا؟ از این روست که برخی از اهل دقت، این تلاش‌ها در زمینه کشف این حیثات را عقیم و بی‌نتیجه شمرده‌اند (ر.ک: فرامرز قراملکی، ۱۳۷۱-۱۳۷۲، ص ۱۲۴-۱۲۵).

نتیجه آنکه دیدگاه موضوع محوری هنگام تطبیق عملی بر علوم نیز دارای اشکال است و بدین ترتیب تطبیق آن بر سوره‌های قرآن نیز می‌تواند محل اشکال باشد؛ زیرا به نظر می‌رسد همین مشکلات (اختلاف در چستی موضوع و عدم امکان جمع تمام مسائل برگرد یک موضوع خاص) در مورد سوره‌ها نیز وجود خواهد داشت.

۲-۴. بررسی نقش موضوع از حیث اثباتی

گذشته از مشکلات ثبوتی باید دانست که نظریه وحدت موضوعی در عرصه اثبات و تطبیق عملی نیز دارای اشکالات اساسی است؛ چراکه اگر مراد از وحدت موضوعی، اعتقاد به وجود موضوعی واحد برای هر سوره باشد، قطعاً خلاف واقع است؛ چه آنکه پدیده تنوع موضوعی در سوره‌های سوره‌های بلند، نیمه بلند و حتی بسیاری از سوره‌های کوتاه قرآن کاملاً مشهود است. این مسئله به قدری بدیهی است که به دستمایه‌ای جهت خرده گرفتن مستشرقان بر قرآن تبدیل شده است و اندیشمندان اسلامی نیز اصل این تنوع را رد نکرده‌اند (ر.ک: خویی، [بی‌تا]، ص ۹۴-۹۵ / زمانی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵).

از جهت دیگر گردآوری موضوعات متعدد ذکر شده در سوره بر حول یک موضوع خاص ناممکن می‌نماید؛ همان‌گونه که سید قطب که تلاش فراوانی جهت نشان دادن وحدت سوره‌ها دارد، اذعان می‌کند که موضوعات اصلی مطرح شده در سوره نحل بسیار زیاد و متنوع است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۱۵۸). وی در مورد سوره اسراء نیز کلام مشابهی دارد (همان، ص ۲۲۰۸). این واقعیت باعث می‌شود سید قطب

موضوعی را به عنوان محور سوره انتخاب کند که بسی کلی است؛ برای نمونه موضوع محوری سوره نحل را الوهیت و وحی و بعثت بر می‌شمرد (همان، ص ۲۱۵۸)؛ موضوعی بس کلی که بر غالب سوره‌های قرآن قابل انطباق بوده و عملاً ثمره مورد نظر سید قطب - که نشان دادن شخصیت خاص و متمایز هر سوره باشد (همان، ج ۳، ص ۱۲۴۳) - به دست نمی‌آید.

مشکل دیگری که در راه کشف موضوع محوری سوره وجود دارد، پدیده تکرار در سوره‌های قرآن است؛ بدان معنا که گاه مشاهده می‌شود دو یا چند سوره در بسیاری از موضوعات مشترک باشند؛ همان‌گونه که سید قطب هنگام سخن از موضوع اصلی سوره نحل تذکر می‌دهد که این موضوع در تمام سوره‌های مکی مشترک است (همان، ج ۴، ص ۲۱۵۸). وی همچنین در جای دیگر می‌نویسد که از حیث موضوع، شباهت فراوانی میان سوره‌های یونس و هود و اعراف و انعام وجود دارد... (همان، ص ۱۸۴۳-۱۸۴۴).

خلاصه آنکه طبق نظریه وحدت موضوعی اگر بخواهیم موضوعی خاص و جزئی در نظر بگیریم، جامعیت آن نسبت به مسائل متنوع و مختلف سوره دچار اختلال می‌شود؛ از طرف دیگر اگر بخواهیم موضوعی عمومی و کلان را به عنوان محور سوره در نظر بگیریم، از جهت مانعیت دچار مشکل شده، تمایز آن از دیگر سوره‌ها به دست نمی‌آید.

۳-۴. بازگشت وحدت موضوعی به وحدت غرض

گذشته از مباحث ثبوتی و اثباتی یکی دیگر از شواهدی که نقش موضوع را در انسجام سوره منتفی می‌کند، عملکرد برخی محققان و مفسران دقت‌نگر است که وحدت موضوعی را چنان تقریر می‌کنند که به همان وحدت غرضی بازگشت دارد. از جمله آیت‌الله معرفت ذیل عنوان «الوحدة الموضوعية» می‌نویسد: «هر سوره مشتمل بر اهداف خاصی است که به غرض ایفای آنها هدف‌گذاری نموده است» (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۹۳). کاملاً مشخص است که آیت‌الله معرفت در استفاده از تعبیر وحدت موضوعی، صرفاً همراهی با مشهور کرده‌اند؛ اما در تقریر مسئله صراحتاً از وحدت هدف و غرض یاد می‌کنند.

استاد محمد الحجازی نیز که پایان‌نامه دکتری خود را با عنوان «الوحدۃ موضوعیة» دفاع کرده است، دقیقاً به همین صورت عمل کرده، در تقریر وحدت موضوعی می‌نویسد: «سوره‌های قرآن غرض واحدی را هدف گرفته است. هر سوره حدود و اهداف و اغراضی دارد که بر مدار آنها می‌گردد و برای تحقق آن از مفاهیم مختلف، مقداری را به کار می‌برد که متناسب با آن هدف باشد» (حجازی، ۱۴۲۴، ص ۳۷).

در میان مفسران نیز می‌توان به سید قطب اشاره داشت که گفته می‌شود بیش از همه توانسته است پیوستگی سوره‌ها را نمایان ساخته، به شکلی منظم و فراگیر به طرح نظریه وحدت موضوعی و تطبیق دقیق و عمیق آن در همه سوره‌های قرآن کریم پردازد (سیاوشی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷). هنگامی که عمکرد وی را در بسیاری از سوره‌ها بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که عملاً به سمت غرض متمایل شده است. از جمله در مورد سوره نساء به صراحت از غرض معین سخن گفته است که مسائل مطرح شده در سوره، همگی برای وصول به آن هدف آمده‌اند: «سوره با جدیت تلاش می‌کند نشانه‌های مجتمع جاهلی را محو نماید...» (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۵۵). وی در تبیین عامل تشخیص سوره کافرون نیز تصریح می‌کند که سوره به هدف دفع یک شبهه نازل شده است (همان، ج ۶، ص ۳۹۹).

خلاصه آن که پژوهشگران و مفسرانی که در عرصه وحدت موضوعی قلم رانده‌اند، عملاً نشان داده‌اند که حقیقت وحدت موضوعی، به وحدت غرضی باز می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع نوشتار فوق به دست می‌آید که عامل انسجام سوره‌های قرآن غرض سوره است. این نتیجه را شش شاهد تأیید می‌کند: ۱ و ۲. ادبیات نو و قدیم تأکید دارند که وجود غرض ارتباطی باعث تکوین متن می‌گردد؛ ۳ و ۴. سیاق و بلاغت هر متنی در گرو غرضی است که ماتن در نظر گرفته است؛ ۵. متون علمی در صورتی منسجم می‌شوند که دارای غرض مشخص باشند؛ ۶. دیدگاه برگزیده و نو در باب وحدت و تمایز علوم و مشخصاً علوم اعتباری، غرض آن علم است. در این بین پنج شاهد نخست کاملاً بر سوره‌های قرآن قابل تطبیق است و شاهد ششم نیز اگر قابل تطبیق

نباشد، دست‌کم مؤید قابل‌توجهی برای تأکید و تأیید نظریه است. همچنین مشخص شد که هر سوره یا باید یک غرض یگانه داشته باشد یا در صورت تعدد غرض، میان آنها نوعی هماهنگی وجود داشته باشد.

نتیجه دیگری که از نوشتار فوق به دست آمد، عدم کارایی موضوع به عنوان عامل انسجام سوره است. شواهدی که این عدم کارایی را تأیید می‌کند، بدین قرار است: از حیث ثبوتی: ۱. متون علمی در صورت موضوع‌محور بودن فاقد فایده و انسجام خواهند شد؛ ۲. در فلسفه علوم ثابت شده است که موضوع، توانایی تمایز و وحدت همه علوم را ندارد. از حیث اثباتی نیز مفسران از ارائه موضوعی محوری که کاملاً جامع و مانع باشد، عاجز مانده‌اند و در نهایت مفسران و محققان نیز در مقام عمل تقریری از آن ارائه داده‌اند که بازگشت به همان وحدت غرضی دارد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن جنی، عثمان؛ الخصائص؛ ج ۳، تهران: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
۲. ابن عقیل، عبدالله الهمدانی؛ شرح ابن عقیل علی الالفیه؛ قم: فقاہت، ۱۴۳۴ق.
۳. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغه؛ تصحیح عبدالسلام هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن مالک اندلسی، محمد بن عبدالله؛ شرح الکافیہ الشافیہ؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
۵. ابن منظور، محمد بن منظور؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن هشام، عبدالله بن یوسف؛ مغنی اللیب؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی، [بی تا].
۷. الابيض، اشواق حسن علی؛ الوحدة الموضوعية في القرآن الكريم؛ قاهره: دار الآفاق العربيه، ۱۴۳۳ق.
۸. امام خمینی، روح الله؛ تهذیب الاصول؛ تقریر جعفر سبحانی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۳ق.
۹. امیری خراسانی، احمد و حلیمه علی نژاد؛ «بررسی عناصر انسجام متن در نطقه المصدر بر اساس نظریه هالیدی و حسن»، مجله متن پژوهی ادبی؛ س ۱۹، ش ۶۳، ۱۳۹۴.
۱۰. باحویرث، تهانی بنت سالم؛ اثر دلالة السياق في توجيه معنى المتشابه؛ مکه: جامعه ام القرى، ۱۴۲۸ق.
۱۱. باطنی، محمدرضا؛ مبانی زبان شناسی نوین؛ ج ۳، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۱۲. البرزی، پرویز؛ مبانی زبان شناسی متن؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۱۳. بروجردی، حسین؛ نهایی الاصول؛ تقریر حسین علی منتظری؛ تهران: انتشارات

۱۴. بستانی، قاسم و نصره باجی؛ «سیاق قرآنی: مفهوم و کارکرد آن در فهم حدیث»، مجله علوم حدیث؛ ش ۷۴، ۱۳۹۳.
۱۵. بهائی، شیخ محمد؛ الفوائد الصمدیه؛ ج ۱۶، قم: انتشارات نهاوندی، ۱۳۹۱.
۱۶. بهجت پور، عبدالکریم؛ شناختنامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم؛ قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۴.
۱۷. —؛ مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم؛ قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۳.
۱۸. بیدهندی، محمد؛ «ملاک تمایز علوم برهانی از دیدگاه غیربرهانی؛ مجله معرفت، ش ۱۲، ۱۳۷۲.
۱۹. پاکتچی، احمد؛ روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث؛ تهران: انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.
۲۰. پور شافعی، هادی؛ پژوهش و نگارش علمی؛ تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۹۳.
۲۱. تفتازانی، مسعود بن عمر؛ کتاب المطول؛ ج ۴، قم: انتشارات داوری، [بی تا].
۲۲. —؛ مختصر المعانی؛ ج ۳، قم: دار الفکر، ۱۳۷۶.
۲۳. تقویان، عباس؛ گونه‌شناسی سیاق در تفسیر المیزان: صورت‌بندی و کارکرد»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث؛ ش ۱۲، ۱۳۸۸.
۲۴. جلالی، جلال‌الدین؛ «ضرورت شناخت و کاربرد انسجام و پیوستگی در ترجمه انگلیسی قرآن کریم»، مجله ترجمان وحی، ش ۲۵، ۱۳۸۸.
۲۵. حجازی، محمد محمود؛ الوحدة الموضوعية فی القرآن الکریم؛ الزقازیق: دار التفسیر للطبع و النشر، ۱۴۲۴ق.
۲۶. حسن‌زاده، صالح؛ «موضوع علم و معیار تمایز علوم»، مجله آیین پژوهش؛ ش ۳، ص ۱۳۸۳.
۲۷. الخراسانی، محمد کاظم؛ کفایة الاصول؛ قم: انتشارات آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۸. خویی، ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، [بی تا].
۲۹. داوسون، کاترین؛ روش‌های کاربردی تحقیق؛ ترجمه مجید رضا داوری و دیگران؛ تهران: هرمس، ۱۳۹۰.

۳۰. الدسوقی، محمد؛ حاشیه الدسوقی علی مختصر المعانی؛ بیروت: المكتبة العصرية،

[بی تا].

۳۱. دهقانی، ناهید؛ «بررسی عناصر انسجام متن در کشف المحجوب هجویری»،

مجله آینه میراث؛ ش ۴۵، ۱۳۸۸.

۳۲. الراغب الاصبهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دار القلم،

۱۴۱۲ق.

۳۳. رضایی، محمدجواد؛ «بررسی، تحلیل و نقد دیدگاه ابن سینا درباره طبقه بندی

علوم»، مجله انجمن معارف اسلامی؛ ش ۱، ۱۳۸۳.

۳۴. رکامی، سردار؛ تطور تاریخی تمایز علوم نزد منطق دانان؛ پایان نامه کارشناسی

ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۳۵. فردریک سی لونبرگ؛ روش های تحقیق و نگارش پایان نامه در علوم اجتماعی،

علوم رفتاری و مدیریت؛ ترجمه وجه الله قربانی زاده و سیدمحمدتقی حسینی

مرام؛ تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰.

۳۶. الزبیدی، محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق علی شیری؛

بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

۳۷. زمانی، محمدحسن؛ مستشرقان و قرآن؛ ج ۳، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.

۳۸. ساروخانی، باقر؛ «اقناع هدف ارتباطات»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران،

ش ۲۳، ۱۳۸۳.

۳۹. ستوده نیا، محمدرضا و دیگران؛ «بررسی تطبیقی سیاق از دیدگاه قرآن پژوهان

معاصر»، مجله مطالعات قرآنی؛ س ۴، ش ۱۵، ۱۳۹۲.

۴۰. السیالکوتی، عبدالحکیم؛ حاشیه السیالکوتی علی کتاب المطول؛ قم: منشورات

رضی، ۱۳۶۲.

۴۱. سیاوشی، کرم؛ تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در فی ظلال؛

تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.

۴۲. سیدی، سیدحسین؛ زیبایی شناسی قرآن؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

۱۳۹۰.

۴۳. السیوطی، جلال الدین؛ البهجة المرضیة علی الالفیه؛ ج ۱۹، قم: انتشارات

۴۴. الشهرزوری، شمس‌الدین؛ رسائل الشجرة الالهية فی علوم حقائق الربانیه؛ تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
۴۵. شیخ اشراق؛ مجموعه مصنفات؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۴۶. الصبیحی، محمد الاخضر؛ مدخل الی علم النص و مجالات تطبیقیه؛ الجزائر: منشورات الاختلاف، ۱۴۲۹ق.
۴۷. صدرالمتالهین؛ مجموعه رسائل فلسفی؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۵.
۴۸. صفدری نیاک، مرتضی؛ «ملاک تمایز علوم برهانی»، مجله معرفت فلسفی؛ ش ۱۲، ۱۳۸۵.
۴۹. الطباطبائی، محمدحسین؛ حاشیه الکفایه؛ قم: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی، [بی تا].
۵۰. —؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، بیروت: مطبوعات الاعلمی، ۱۳۹۰ق.
۵۱. الطلحی، رده الله؛ دلالة السياق؛ عربستان سعودی: جامعه ام القرى، ۱۴۲۴ق.
۵۲. عابدی شاهرودی، علی؛ «شناخت علوم»، مجله کیهان اندیشه؛ ش ۱۵، ۱۳۶۶.
۵۳. —؛ «نقد دیدگاه قدما در شناسایی علوم»، مجله کیهان اندیشه؛ ش ۱۶، ۱۳۶۶.
۵۴. فرامرز قراملکی، احد فرامرز و عذرا شالباف؛ تدوین پایان‌نامه: شیوه‌ها و مهارت‌ها، قم: زیتون، ۱۳۸۹.
۵۵. فرامرز قراملکی، احد؛ «قاعده موضوع کل علم ما بحث فيه عن عوارضه الذاتیه»، مجله مقالات و بررسیها؛ ش ۵۳-۵۴، ۱۳۷۱-۱۳۷۲.
۵۶. —؛ اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
۵۷. —؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰.
۵۸. قائمی نیا، علی‌رضا؛ بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۵۹. قائمی، علی؛ روش تحقیق در مکتب؛ قم: دار التبلیغ، ۱۳۵۶.

۶۰. الفزوینی، نجم‌الدین علی‌الکاتبی؛ المسائل الشمسیه؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۳۸۴.
۶۱. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ ج ۳۵، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۶۲. کاشانی، فاطمه مرضیه؛ «آسیب‌شناسی تطبیق قاعده سیاق در آیات قرآن»، مجله حسنا؛ ش ۲۱، ۱۳۹۳.
۶۳. کاکایی، قاسم؛ «عرض ذاتی به عنوان معیار وحدت و تمایز مسائل علوم»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان؛ ش ۱۰، ۱۳۹۴.
۶۴. کنعانی، حسین؛ «سیاق و سیر تحول کاربرد آن در فقه شیعه»، مجله فقه و تاریخ تمدن؛ ش ۲۴، ۱۳۸۹.
۶۵. کنعانی، حسین؛ نظریه و روش تفسیر سیاقی قرآن؛ تهران: عروج اندیشه، ۱۳۹۱.
۶۶. کوثری، عباس؛ نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۶۷. محقق اصفهانی، محمد حسین؛ نه‌ایة الدرایه فی شرح الکفایه؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۲۹ق.
۶۸. محمد نژاد، یوسف؛ شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۶۹. محمدی بامیانی، غلامعلی؛ دروس فی البلاغه؛ بیروت: مؤسسه البلاغ، [بی‌تا].
۷۰. المراغی، احمد مصطفی؛ علوم البلاغه، البیان و المعانی و البدیع؛ ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی‌تا].
۷۱. مسلم، مصطفی؛ مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق: دار القلم، ۱۴۲۱ق.
۷۲. المطیری، عبدالرحمن؛ السیاق القرآنی و اثره فی التفسیر؛ عربستان سعودی: جامعه ام‌القری، ۱۴۲۹ق.
۷۳. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۶.
۷۴. معین‌الدینی، فاطمه؛ «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه»، مجله فرهنگ؛ ش ۴۶-۴۷، ۱۳۸۲.
۷۵. موسوی‌نسب، سیدمحمدصادق؛ «فرضیه کجا لازم است»، مجله پژوهش؛ ش ۲، ۱۳۹۰.
۷۶. نقی پورفر، ولی‌الله و رضا حاج‌خلیلی؛ «گونه‌شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات»، مجله کتاب‌قیم؛ ش ۲، ۱۳۹۰.

78. Brause, rita s.; **writing your doctoral dissertation**; London: falmer, 2000.
79. Mir, Mustansir; “Unity of the Text of the Qurān”, **Encyclopaedia of the Quran**; leyden: brill, vol.5, 2006, pp.405-406.
80. Hunt, andy; **your research project: how to manage it**; new York; routledge, 2005.
81. <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/6011/62811>.
82. <http://www.verdinejad.com/visitorpages/show.aspx?isdetaillist=true&itemid=30501,8>.
83. <http://www.payanname-m.com/اهداف-تحقیق/اهداف تحقیق>.